

## مرقس باب 2

شفای مفلوج

(متی 1: 9-8؛ لوقا 5: 17-26)

1 بعد از چند روز عیسی به کفرناحوم برگشت و به همه خیر رسید که او در منزل است. 2 عده زیادی در آنجا جمع شدند، به طوری که حتی در جلوی در خانه هم جایی نبود و عیسی پیام خود را برای مردم بیان می‌کرد. 3 عده‌ای مرد مفلوجی را که به وسیله چهار نفر حمل می‌شد، نزد او آوردند. 4 اما به علت زیادی جمعیت، نتوانستند او را نزد عیسی بیاورند. پس سقف اتاقی را که عیسی در آنجا بود، برداشتند و وقتی آنجا را باز کردند مرد مفلوج را درحالی‌که روی تشک خود خوابیده بود، پایین گذاشتند. 5 عیسی وقتی ایمان ایشان را دید، به مرد مفلوج گفت: «ای فرزند، گناهان تو آمرزیده شد.»

6 چند نفر از علمای یهود که آنجا نشسته بودند، پیش خود فکر کردند: 7 «چرا این شخص چنین می‌گوید؟ این کفر است. چه کسی جز خدا می‌تواند گناهان را بیامرزد؟» 8 عیسی فوراً فهمید آنها چه افکاری در دل خود دارند. پس به آنها فرمود: «چرا چنین افکاری را در دل خود راه می‌دهید؟ 9 آیا به این مفلوج گفتن 'گناهانت آمرزیده شد' آسانتر است یا گفتن 'برخیز تشک خود را بردار و راه برو'؟ 10 اما تا شما بدانید که پسر انسان در روی زمین حق آمرزیدن گناهان را دارد.» به آن مفلوج فرمود: 11 «به تو می‌گویم برخیز، تشک خود را بردار و به خانه برو.» 12 او برخاست و فوراً تشک خود را برداشت و در برابر چشم همه خارج شد. همه بسیار تعجب کردند و خدا را حمدکنان می‌گفتند: «ما تا به حال چنین چیزی ندیده‌ایم.»

دعوت از لاوی

(متی 9: 9-13؛ لوقا 5: 27-32)

13 بار دیگر عیسی به کنار دریا رفت، مردم نزد او آمدند و او به تعلیم آنان پرداخت. 14 همچنان که می‌رفت لاوی پسر حلفی را دید، که در محل وصول عوارض نشسته بود. عیسی به او گفت: «به دنبال من بیا.» لاوی برخاست و به دنبال او رفت. 15 وقتی عیسی در خانه لاوی سر سفره نشسته بود، عده زیادی از باجگیران و خطاکاران با او و شاگردانش نشسته بودند، چون بسیاری از آنها پیرو او بودند. 16 وقتی عده‌ای از علمای فریسی او را دیدند، که با باجگیران و خطاکاران غذا می‌خورد، به شاگردانش گفتند: «چرا با باجگیران و خطاکاران غذا می‌خورد؟» 17 عیسی این را شنید و به آنها فرمود: «بیماران احتیاج به طبیب دارند، نه تندرستان. من آمده‌ام تا خطاکاران را دعوت نمایم، نه پرهیزکاران را.»

درباره روزه

(متی 14: 9-17؛ لوقا 5: 33-39)

18 هنگامی که شاگردان یحیی و فریسیان روزه‌دار بودند، عده‌ای نزد عیسی آمدند و پرسیدند: «چرا شاگردان یحیی و فریسیان روزه می‌گیرند، اما شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟»

19 عیسی به آنها فرمود: «آیا می‌توان انتظار داشت دوستان داماد تا زمانی‌که داماد با آنهاست روزه بگیرند؟ نه، تا زمانی‌که داماد با آنهاست آنها روزه نمی‌گیرند. 20 اما زمانی خواهد آمد که داماد از ایشان گرفته می‌شود، در آن وقت روزه خواهند گرفت. 21 هیچ‌کس لباس کهنه را با پارچه نو وصله نمی‌کند. اگر چنین کند آن وصله از لباس جدا می‌گردد و پارگی بدتری بجا می‌گذارد. 22 همچنین هیچ‌کس شراب تازه را در مشک‌های کهنه نمی‌ریزد. اگر چنین کند شراب، مشک را می‌ترکاند و مشک و شراب هر دو از بین می‌روند. شراب تازه را در مشک‌های نو باید ریخت.»

در باره سبت

(متی 12: 1-8؛ لوقا 1: 6-5)

23 در یک روز سبت، عیسی از میان مزارع گندم می‌گذشت و شاگردانش درحالی‌که راه می‌رفتند شروع به چیدن خوشه‌های گندم کردند. 24 فریسیان به او گفتند: «نگاه کن، چرا شاگردان تو کاری می‌کنند که در روز سبت جایز نیست؟» 25 عیسی فرمود: «مگر نخوانده‌اید که داوود وقتی خود و یارانش گرسنه و محتاج بودند چه کرد؟ 26 در زمانی که ابیاتار کاهن اعظم بود، به خانه خدا وارد شد و نان تقدیس شده را که جز کاهنان، کسی حق خوردن آنها را نداشت، خورد و به همراهان خود نیز داد.» 27 و به آنها فرمود: «سبت برای انسان به وجود آمد، نه انسان برای سبت. 28 بنابراین پسر انسان صاحب اختیار روز سبت هم هست.»